



Anthropological Foundations of Waiting for Imam Mahdi and Its Underlying Factors in the Thought of Ayatollah Khamenei

Mohammad Mahdi Gorjian Arabi¹

Received: 11/11/2021

Accepted: 17/11/2021

Abstract

Ever since the divine prophets let people know about the existence of a bright future and the arrival of the savior and promised that day, people have been waiting for the divine savior on such a day, and in a sense, we can say that waiting for the reappearance of that Imam is an innate and intellectual job. However, Ayatollah Khamenei emphasizes the anthropological foundations in explaining the theory of the waiting, which indicates the generality and durability of this valuable theory. In his works, the most important anthropological foundations of this theory, which include the inherent dignity of man, the divine caliph of the perfect man, the mediator of the Imam's grace, happiness, ultimate perfection, and human dignity have been dealt with, and finally, the underlying factors of reappearance (of Imam Mahdi) from his point of view have been studied in a descriptive and analytical method in this paper.

Keywords

Anthropological Foundations, Waiting for the Savior, Khalifatollah, Mediator of Grace, Innate Dignity, Ayatollah Khamenei.

1. Professor of Baqir al-Ulum University, Qom, Iran. mm.gorjian@yahoo.com

* Gorgian, M. M. (1400 AP). Anthropological Foundations of Waiting for Imam Mahdi and Its Underlying Factors in the Thought of Ayatollah Khamenei. *Journal of Mahdavi Society*, 2(3), pp. 8-35.

DOI: 10.22081/JM.2021.62372.1039



مبانی انسان‌شناسی انتظار و عوامل زمینه‌ساز آن در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مدظله

محمد مهدی گرجیان عربی^۱

تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۰۸/۲۶

تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۸/۲۰

چکیده

از آن هنگام که پیامبران الهی انسان‌ها را از وجود آینده‌ای درخشان و رسیدن روزی موعود آگاه کردند و نوید آن روز را دادند، انسان‌ها در انتظار و چشم‌به‌راه موعود الهی در چنین روزی بودند و به یک معنا می‌توان گفت انتظار برای فرارسیدن ظهور آن حضرت، امری فطری و عقلی است. از سوی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز در تبیین نظریه انتظار بر مبانی انسان‌شناسانه‌ای تأکید دارد که بیانگر عمومیت و دوام این نظریه ارزشمند است. در آثار ایشان اهم مبانی انسان‌شناسانه این نظریه که عبارت‌اند از کرامت ذاتی انسان، خلیفه الهی انسان کامل، واسطه فیض بودن امام، سعادت، کمال نهایی و ذومراتب بودن انسان پیگیری شده و در نهایت عوامل زمینه‌ساز ظهور از نگاه ایشان به روش توصیفی و تحلیلی در این نوشتار بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها

مبانی انسان‌شناسی، انتظار منجی، خلیفه‌الله، واسطه فیض، کرامت ذاتی، آیت‌الله خامنه‌ای.

mm.gorjian@yahoo.com

۱. استاد دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران.

* گرجیان، محمد مهدی، نجارزادگان، فتح‌الله. (۱۴۰۰). مبانی انسان‌شناسی نظریه انتظار در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مدظله. دوفصلنامه علمی - تخصصی جامعه مهدوی، ۲(۳)، صص ۸-۳۵.

DOI: 10.22081/JM.2021.62372.1039

مقدمه

انتظار در میان باورمندان منجی دارای کارکرد و تأثیرات مهم فردی و اجتماعی است. این نقش و تأثیرات زمانی کاربردی و اجرایی می‌شود که انتظار از نظر تحلیل مفهومی و تبیین مبانی به‌درستی و همه‌جانبه صورت پذیرد و همه ابعاد و ماهیت انتظار از نظر معرفتی و نظری مورد کاوش علمی قرار گیرد. بر این اساس انتظار در تحلیل مبانی شناختی در انواع مبانی دین‌شناختی، مبانی جامعه‌شناختی، مبانی فطرت‌شناختی، مبانی روان‌شناختی، مبانی حدیث‌شناختی و مبانی انسان‌شناختی مورد توجه و ارزیابی قرار می‌گیرد. در این نوشتار در میان مبانی مختلف انتظار به مبانی انسان‌شناختی و در میان نظرگاه‌های مختلف به دیدگاه و نظرگاه مقام معظم رهبری پرداخته می‌شود. بی‌شک مقام معظم رهبری مبانی انسان‌شناختی انتظار را بر مؤلفه‌هایی نظیر کرامت ذاتی انسان، مقام خلیفه‌الله انسان کامل، واسطه فیض بودن امام، ولایت تامه انسان کامل و... مترتب دانسته و براساس مبانی انسان‌شناختی، به غایت شناختی انتظار نظیر ضرورت خودسازی و دگرسازی، ضرورت فعالیت‌های منتظرانه برای رسیدن به ظهور، استقامت و تاب‌آوری، امیدواری و دوری از ناامیدی و درنهایت توسل به خدا و تضرع و دعا به درگاه خدا برای تعجیل در ظهور امام زمان علیه السلام منتهی خواهد شد.

۱. مفهوم‌شناسی انتظار منجی

انتظار واژه‌ای عربی از ریشه «نظر» و در لغت به معنای چشم‌به‌راه بودن است (طریحی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۴۹۸؛ فراهیدی، ۱۳۶۳، ج ۸، ص ۱۵۶؛ زبیدی، بی‌تا، ج ۷، ص ۵۳۹؛ دهخدا، ۱۳۸۳، ذیل واژه «انتظار»). این واژه در اصطلاح نیز به معنای چشم‌به‌راه بودن برای ظهور واپسین ذخیره الهی و آماده شدن برای یاری او در برپایی حکومت عدل و قسط در سراسر جهان است. برخی ماهیت انتظار را این‌گونه معنا کرده‌اند: «کیفیتی روحی است که باعث به‌وجود آمدن حالت آمادگی انسان‌ها برای آنچه انتظار دارند، می‌شود و ضد آن یأس و ناامیدی است. هرچه انتظار بیشتر باشد و هرچه شعله آن فروزان‌تر و پرفروغ‌تر باشد، تحرک و پویایی او و در نتیجه آمادگی نیز بیشتر خواهد بود» (اصفہانی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۱۸).

این کیفیت روحی را می‌توان امری کاملاً وجدانی دانست که اگر کسی واقعیت آن را وجدان نکرده باشد، هرگز با توصیفات ذهنی، حقیقت آن را درک نمی‌کند و از آنجا که یکی از راه‌های تعریف وجدانی، بیان برخی لوازم و آثار آن است، در تعریف انتظار می‌توان گفت: «معنی الانتظار... هو کیفیتة نفسانية ينبعث منها التهيؤ لما تنتظره... فكلما كان الانتظار اشد كان التهيؤ اكـد. الا ترى أنه اذا كان لك مسافر تتوقع قدومه ازداد تهيؤك لقدومه كلما قرب حينه؟» معنای انتظار عبارت است از یک حالت نفسانی و روحی که از آن، آماده‌شدن برای چیزی که در انتظارش هستی، برمی‌آید... پس هر قدر انتظار شدیدتر باشد، آماده‌شدن نیز بیشتر می‌شود. آیا نمی‌بینی وقتی مسافری داشته باشی که منتظر آمدنش هستی، هرچه زمان آمدنش نزدیک‌تر می‌شود، آمادگی تو برای این امر افزون‌تر می‌شود؟» (اصفهانی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۵۲).

آیت‌الله خامنه‌ای نیز بارها در سخنان خود به تبیین معنای حقیقی انتظار پرداخته و بر این باور است که «انتظار به معنای نشستن و دست روی دست گذاشتن و چشم به در دوختن هم نیست؛ انتظار به معنای آماده‌شدن است، به معنای اقدام کردن، به معنای این است که انسان احساس کند عاقبتی وجود دارد که می‌شود به آن دست یافت که برای رسیدن به آن عاقبت بایستی تلاش کند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۳/۱).

به نظر ایشان «منتظر فرج و ظهور حضرت بقیه‌الله - ارواحنا فداه - باید بتواند محیط پیرامونی خود را به هر اندازه‌ای که در وسع و قدرت او است، به جامعه مهدوی نزدیک کند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۳/۱). تأکید روایات بر مقام و مرتبه منتظران نیز در همین مسئله و رشد معنوی منتظران ریشه دارد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۲، ص ۱۲۶).

یک نکته مهم و مورد تأکید در بیانات ایشان در باب انتظار فرج این است که «این انتظار غیر از بی‌صبری و مدت معین کردن است، بلکه انتظار فرج یعنی آماده‌سازی خود، نه بی‌صبری و عجله کردن. در روایت آمده است که "إِنَّ اللَّهَ لَا يَعْجَلُ لِعَجَلَةِ الْعِبَادِ؛ خداوند تابع عجله بندگان نیست" (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۲۴۵). هر چیزی قراری دارد، وقت معینی دارد، حکمتی دارد؛ براساس آن حکمت انجام می‌گیرد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۱/۲۱).

نکته دیگر در باب انتظار این است که در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، مراد از انتظار

فرج، مطلق فرج است؛ یعنی هم فرج نهایی است که ظهور حضرت است، هم فرج بعد الشده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۱/۲۱)؛ به این ترتیب وقتی انتظار فرج وجود دارد، انسان از حوادث دشوار و حوادث همه‌گیر ناامید نمی‌شود، بلکه یقین می‌کند که این حادثه بی‌گمان تمام خواهد شد.

۲. مبانی «انسان‌شناسی» انتظار از منظر آیت‌الله خامنه‌ای

با تأمل در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای می‌توان به مبانی انسان‌شناختی‌ای دست یافت که در مسئله انتظار و دکترین مهدویت باید بدان‌ها توجه داشت. برخی از این مبانی عبارت‌اند از:

۱-۲. کرامت ذاتی انسان

نخستین و مهم‌ترین مبنای انسان‌شناسی در مقوله انتظار، توجه به کرامت ذاتی انسان است. در قرآن کریم آمده است: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ؛ همانا ما انسان را از گل خشک، از گل سیاه و بدبو آفریده‌ایم» (حجر، ۲۶). براساس این آیه، اصل آفرینش انسان از خاک و آب است؛ چنان‌که در جای دیگر می‌فرماید: «وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ* ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ* ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ؛ انسان را از گل آفرید. آن‌گاه نسل او را از نطفه آبی پست و فرومایه قرار داد. آن‌گاه آن را خلقی تمام بیافرید و از روح خود در آن دمید» (سجده، ۹-۷).

از سوی دیگر می‌فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ؛ که ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریدیم» (تین، ۴). از شگفتی‌های قدرت حق تعالی این است که از خاک پست و بی‌حرکت، انسانی را در بهترین ترکیب آفرید. انسانی دارای عقل و شعور که به اسرار آفرینش آگاه شد و با کوچکی جثه، به جهان بی‌کران احاطه یافت؛ البته باید توجه داشت که این زیبایی هیئت و ترکیب انسان از جهت استعداد قبول نفس ناطقه او است، و گرنه در حیوانات به‌ویژه پرندگان نیز آفرینش زیبا بسیار است و افضلیت انسان در قوام بدنی است که نیازمند پذیرش تکالیف بسیار است.

البته ممکن است این پرسش به ذهن خطور کند که براساس قواعد عقلی فلسفی، علت برتر از معلول است؛ پس چگونه انسانی با عقل و شعور از آب و خاک فایده‌ی ادراک پدید آمده است؟ در پاسخ باید گفت علت پدید آمدن انسان، بیرون از عالم جسم و ماده است؛ خلق بدن علت مُعَدّه است؛ یعنی خداوند نخست جسم انسان را آماده کرد و زمانی که لایق نفخ روح شد، آن‌گاه روح خود را از عالم دیگر بر او افاضه نمود؛ چنان‌که فرمود: «نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوْحِهِ» (سجده، ۲)؛ بنابراین روح انسان از روح خدا و دارای کرامت ذاتی است و بقای او بسته به خدا و مشیت او است. خداوند در مورد کرامت ذاتی انسان‌ها می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»؛ و به‌راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم» (اسراء، ۷۰).

در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای این کرامت انسانی و حیات مطلوب بشر در دوران ظهور تحقق می‌یابد و انتظار محرکی قوی در راه به‌فعلیت رسیدن کرامت انسانی است. ایشان می‌فرماید: «در واقع باید گفت زندگی اصلی بشر و حیات مطلوب بشر از آنجا (دوران ظهور حضرت مهدی علیه السلام) آغاز می‌شود و بشریت تازه می‌افتد در راهی که این راه یک صراط مستقیم است و او را به مقصد آفرینش می‌رساند؛ بشریت را می‌رساند، نه آحادی از بشریت را نه افراد را؛ مجموعه‌ها را می‌رساند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۳/۲۱).

بدین ترتیب در دکترین مهدویت و اندیشه انتظار، رفتاری مورد قبول حضرت حجت علیه السلام خواهد بود که بر مبنای حفظ کرامت ذاتی انسان‌ها باشد و منتهی به تکریم و گرامی داشتن هم‌نوع باشد.

۲-۲. خلیفه‌اللهی انسان کامل

خداوند متعال در قرآن کریم جایگاه انسان را تا مقام خلیفه‌اللهی پیش برده و هدف از آفرینش انسان را جانشینی خداوند بر روی زمین دانسته است: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...»؛ [به خاطر بیاور] هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در روی زمین، جانشینی (نماینده‌ای) قرار خواهم داد» (بقره، ۳۰).

خلیفه‌اللہی درحقیقت برجسته‌ترین ویژگی انسان کامل است؛ چراکه خداوندی که هرگز از هیچ‌کس پنهان نیست و همه جا حضور دارد، یا اساساً خلیفه ندارد (چون از جایگاه خویش غایب نیست تا کسی جانشین او شود) یا خلیفه او مظهر تمام اسمای حسنا و است که همه جا به اذن او حضور و ظهور دارد. آنچه برای ذات اقدس حق تعالی ازلی و ثابت است، برای خلیفه او به گونه ظهور و آیت ثابت می‌شود... خلیفه‌الله تنها شخصی است که می‌تواند عصمت مطلق را بازتاباند و تجلی بخشد. او مظهر فیض کامل خدا است و تمام موجودات دیگر - از فرشته تا جن و بشر و دیگر موجودات - به واسطه او از انوار الهی فیض می‌برند (جوادی آملی، ۱۳۸۷، صص ۱۱۵-۱۱۷). خاستگاه خلافت انسان نیز نهادینه شدن علم به اسما در نهاد او است (طباطبایی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۱۷) و بی‌گمان علم به اسمای حسنا و الهی حقیقتی دارای مراتب است؛ به هر میزان آدمی به صراط مستقیم اعتقاد، اخلاق و عمل هدایت یابد، اسمای الهی در هستی او از قوه به فعلیت می‌رسد و به تبع آن خلافت الهی نیز ظهور می‌کند؛ بنابراین کسانی که در حد استعداد انسانیت هستند، تنها از استعداد خلافت بهره‌مندند (گرچه مراتب قرب و بعد قوه نیز مختلف است) و کسانی که در کمال‌های انسانی و الهی ضعیف یا متوسط‌اند، چون علم به اسمای الهی در آنان ضعیف یا متوسط است، ظهور خلافت الهی نیز در آنان ضعیف یا متوسط است و انسان‌های کامل که از مرتبه برین علم به اسمای الهی بهره‌مندند، از برترین مرتبه خلافت الهی نیز برخوردارند (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۳، صص ۴۱-۵۵).

ابوعلی سینا در کتاب الشفا در فصلی که راجع به امام و خلیفه گفتگو می‌کند و مقامات و مراتب باطنی، اخلاقی و علمی انسان کامل را گزارش می‌دهد، می‌گوید: «هر کس علاوه بر آنچه [درباره امام و خلیفه] گفته شد، دارای خواص پیامبری باشد، چنین کسی رب‌النوع انسان تواند بود... و امور بندگان خدا به دست او سپرده تواند شد و او است فرمانروای جهان خاکی و او خلیفه‌الله است در زمین» (ابن سینا، بی‌تا، ص ۴۵۱). براساس حکمت الهی نیز ولی و نماینده خداوند در تصدی امر حکومت جهانی با ویژگی‌ها و

برجستگی‌های منحصر به فردش کسی خواهد بود که به او نزدیک‌تر است و بنابراین در زمان خودش اکمل آحاد انسانی از جنبه‌های گوناگون است. او کسی است که خداوند به برکت ظهور او دین، انسان و زمان را آباد و اصلاح می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱، ص ۶۶)؛ بنابراین در حالی که عقیده به موعود، دیرین‌تر و وسیع‌تر از اسلام است، مشخصاتی که اسلام برای این موعود ذکر می‌کند، بهتر می‌تواند آن آرزویی را که در طول تاریخ ادیان موجد این عقیده بوده است، برآورده کند و به بیان دیگر اسلام عقیده به غیب را به عقیده به واقعیت تبدیل کرده، افکار را از آینده به حال گرایش داده و آنها را از پیجویی یک منجی موهوم در آینده به ایمان به یک منجی زنده و معاصر سوق می‌دهد؛ چنان‌که مقام معظم رهبری در مقام خلیفه‌اللهی امام زمان علیه السلام می‌فرماید: درک مراتب معنوی و حقایق الهی در باب این قطب اعظم عالم امکان و خلیفه خدا و مظهر صفات و اسمای الهی، در حدّ زبان، بیان، قلب و فهمی همچون من قاصر نیست. خود آنها باید درباره‌ی امام زمان علیه السلام سخن بگویند؛ ما همین قدر می‌دانیم که وجود مقدّس امام زمان، مصداق وعده‌ی الهی است. همین قدر می‌دانیم که این بازمانده خاندان وحی و رسالت، عَلم سرافراز خدا در زمین است (خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱) و ایشان در بیانات دیگرش می‌فرماید: برای انسانی که دارای معرفت باشد، موهبتی از این برتر نیست که احساس کند ولی خدا، امام برحق، عبد صالح، بنده برگزیده در میان همه بندگان عالم و مخاطب به خطاب خلافت الهی در زمین، با او و در کنار او است؛ او را می‌بیند و با او مرتبط است (خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۹/۳).

۳-۲. واسطه فیض بودن انسان کامل

انسان کامل آینه ذات و صفات الهی و صورت منعکس شده حق است (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۱۳۴)، جان و روح جمیع موجودات است؛ از این رو حیات و علم و شعور و ادراک نیز همه مستفید و مستفاض از او است و بیرون از حقیقت انسان، تمام موجودات همچون بدنی بی‌روح‌اند که نه حیات دارند و نه علم و ادراک (لامنجی، ۱۳۷۱، ص ۷۰). توضیح آنکه اصل انسان و حقیقت انسان کامل، روح اعظم است و به حسب هیئت جمعی،

انسان شامل جمیع مجردات و مادیات است و هر گاه او مطیع امر حق باشد، به حکم مرتبه خلافت که از سوی حق دارد، همه اشیا محکوم و فرمانبر امر او خواهند بود و همه در برابر انسان کامل جزئند و جزء البته تابع کل خواهد بود (لاهیجی، ۱۳۷۱، ص ۷۰).

مقام واسطه فیض، مقامی است که عامل ظهور حقایق عالم اعلی بر جان انسان‌ها است. حضور انسان کامل یعنی حضرت حجت علیه السلام در هستی به عنوان واسطه فیض هستی همچون نحوه حضور جان در بدن است. حضور همه‌جایی امام، حضوری نیست که موجب غیبت در جایی بشود. چون او انسانُ الْکُلِّ یا انسان کامل است و مقام جامعیت همه اسمای الهی است؛ بنابراین تمام مراتب مادون هستی نزد او و در قبضه وجود او و مستغرق در او است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «نَحْنُ السَّبَبُ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ اللَّهِ؛ ما بین سبب و طریق بین شما و خدای» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۳، ص ۱۰۱) یا در دعای عدیله اظهار می‌فرماید: «بِقَائِهِ بَقِيَتِ الدُّنْيَا وَبِئْمَانِهِ رُزِقَ الْوَرَى، وَبِوُجُودِهِ تَبَسَّتِ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ؛ به بقای او دنیا باقی است و به دست او آفریدگان روزی می‌گیرند و به وجود او زمین و آسمان ثابت و پابرجايند» (قمی، ۱۳۴۴، دعای عدیله). پس اگرچه در ظاهر، خلق از دیدار وجود مبارک حضرت ولی عصر علیه السلام محروم‌اند، اما پیوسته از برکات وجود او بهره‌مند می‌شوند. مقام معظم رهبری در بیان انسان کامل و بیان کارکرد آن که همان واسطه‌گری در فیض رسانی است، به نمونه بارز آن یعنی حضرات معصوم علیهم السلام اشاره می‌کند و در این زمان امام زمان علیه السلام را به عنوان مصداق کامل این فیض رسانی می‌داند: سلسله اهل بیت نبی اکرم در طول تاریخ خورشیدهای فروزانی بوده‌اند که در معنا توانسته‌اند بشریت روی زمین را با عالم غیب و با عرش الهی متصل کنند: «السبب المتصل بين الارض والسما». خاندان پیغمبر معدن اخلاق نیکو معدن ایثار و فداکاری معدن صدق و صفا و راستی منبع همه نیکی‌ها زیبایی‌ها و درخشندگی‌های موجود و درخشندگی‌های وجود آدمی در عصر و عهدی بوده‌اند؛ هر یک چنین خورشید فروزانی بوده‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۹/۳). ایشان در ادامه می‌افزاید: وجود او (حضرت مهدی علیه السلام) و انوار ساطعه از وجود او امروز هم به بشر می‌رسد. امروز هم انسانیت با همه ضعف‌ها، گمراهی‌ها و گرفتاری‌هایش از انوار تابناک این خورشید معنوی و الهی که بازمانده اهل بیت علیهم السلام است استفاده می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۹/۳).

۴-۲. سعادت انسان

اعتقاد به سعادت‌یابی انسان، مبنایی دیگر در اندیشه انتظار از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای است. در آیات پرشماری از قرآن نیز مسئله سعادت و شقاوت مورد توجه خدای متعال قرار گرفته است، گاهی به‌طور مستقیم و با آوردن واژگان «سعادت» و «شقاوت»، چنان‌که در سوره هود می‌فرماید: «يَوْمَ يَأْتُ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ * فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَمِنَ النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ؛ آن روز که [قیامت و زمان مجازات] فرارسد، هیچ‌کس جز به اجازه او سخن نمی‌گوید؛ گروهی بدبخت‌اند و گروهی خوشبخت؛ اما آنها که بدبخت شدند، در آتش‌اند و برای آنان در آنجا، "زفیر" و "شهیق" (نال‌های طولانی دم و بازدم) است...» (هود، ۱۰۶-۱۰۵) و گاه نیز به‌طور غیرمستقیم و با الفاظی دیگر، همچون واژه‌های «فلاح» (اعلی، ۱۴؛ آل‌عمران، ۱۳۰؛ جمعه، ۱۰؛ مؤمنون، ۱؛ شمس، ۹) و «فوز» (بروج، ۱۱؛ توبه، ۲۱؛ مائده، ۱۱۹) که بر رستگاری و سعادت انسان دلالت دارند. براساس آیه «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رَزَقَهَا» (شمس، ۱۰)، سعادت و رستگاری مطلوب ذاتی انسان است و ازین رو نباید به دنبال دلیل پی‌جویی سعادت بود؛ چون ذاتی دلیل نمی‌خواهد. وقتی پرسند چرا انسان باید خود را تزکیه کند، باید دلیل آورد و آن اینکه انسان با تزکیه به فلاح می‌رسد؛ اما جا ندارد بپرسیم چرا انسان می‌خواهد به فلاح برسد؛ زیرا فلاح و رستگاری مطلوب ذاتی او است؛ بنابراین برخی معتقدند نباید انسان را به فلاح و سعادت فراخواند و او را بر این امر تحریص و تحریک کرد؛ چون فطرت و سرشت او به سوی سعادت و فلاح جهت‌گیری شده است و او از پیش خود این طریق را می‌پوید، بلکه باید طریق سعادت را به او نمود (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ص ۳۱).

اما نکته درخور درنگ این است که اگرچه درباره هدف تاریخ و پایان آن نظریاتی وجود دارد (ادواردز، ۱۳۷۵، صص ۳ و ۶۹)، همچون نگاه مادی‌گری تاریخی، نظریه نژادی یا حرکت تاریخ براساس منافع فردی یا بهبود اوضاع اجتماعی، یکی از این نظریه‌ها نیز الهی‌بودن حرکت تاریخ است، به‌طوری‌که از آگوستین^۱ در قرن پنجم تا بوسوئه^۲ در قرن

1. Saint Augustinus.
 2. Bossuet

هفدهم کوشیدند به تفصیل به بیان این مفهوم بپردازند که فرایند تاریخی با نوعی نظم و طرح ناشی از مشیت الهی انطباق دارد (ادواردز، ۱۳۷۵، ص ۹۲). آگوستین در این باره معتقد است تاریخ براساس طرح و برنامه‌ای الهی سامان یافته و اراده قاهر خداوند آن را به سوی هدف و غایت خود پیش می‌برد (آگوستین، ۱۳۸۰، ص ۴۴۶). او در بیان کمال تاریخ بشر به ظهور مسیح اشاره می‌کند و ظهور آن حضرت را به‌عنوان یک منجی و بشارت‌دهنده نجات انسان موضوعی قطعی و مسلم می‌شمارد (آگوستین، ۱۳۸۰، ص ۴۴۶).

انتظار از جمله ابزارهای هدایتی است که انسان را به بالاترین سعادت که خشنودی خداوند و اهل بیت علیهم‌السلام است، می‌رساند: «قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ، طُوبَى لِلْمُتَّقِينَ عَلَى مُحَجَّبَتِهِمْ، أَوْلِيكَ وَصَفَّهُمُ اللهُ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ: "وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ" (بقره، ۳) وَقَالَ: أَوْلِيكَ حِزْبُ اللهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (مجادله، ۲۲)؛ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: خوشا به حال کسانی که در غیبت حضرت بردبار باشند و خوشا به حال کسانی که در محبت‌ورزیدن در راه اهل بیت استوار ماندند. خداوند آنها را در کتابش این‌گونه توصیف کرده است: "آنان که به جهان غیب ایمان آوردند". آنان حزب الله هستند؛ آگاه باشید به درستی که حزب الله رستگار است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ص ۱۴۳).

افزون بر این در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای دوران ظهور، دوران سعادت دنیوی و اخروی انسان و انتظار نیز لازمه رسیدن به این سعادت است. ایشان می‌فرماید: «دوره ولی عصر - ارواح‌نفاذ - دوره آغاز زندگی بشر است؛ دوره پایان زندگی بشر نیست. از آنجا حیات حقیقی انسان و سعادت حقیقی این خانواده عظیم بشری تازه شروع خواهد شد و استفاده از برکات این کره خاکی و استعدادها و انرژی‌های نهفته در این فضا برای انسان بدون ضرر، بدون خسارت، بدون نابودی و ضایع کردن ممکن خواهد شد. همه پیغمبران آمده‌اند تا ما را به آن نقطه‌ای برسانند که زندگی بشر تازه شروع می‌شود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۲/۲۴).

ایشان در جایی دیگر دوران ظهور را عصر تحقق حاکمیت توحید بر عالم می‌داند که نهایت سعادت بشری است: «آن چیزی که مهدویت مبشر آن هست، همان چیزی است که همه انبیا، همه بعثت‌ها برای خاطر آن آمدند و آن ایجاد یک جهان توحیدی و

ساخته و پرداخته براساس عدالت و با استفاده از همه ظرفیت‌هایی است که خدای متعال در انسان به وجود آورده و قرار داده؛ دوران ظهور حضرت مهدی علیه السلام دوران جامعه توحیدی است، دوران حاکمیت توحید است، دوران حاکمیت حقیقی معنویت و دین بر سراسر زندگی انسان‌ها است و دوران استقرار عدل به معنای کامل و جامع این کلمه است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۴/۱۸).

براساس آیات قرآن کریم هر کس که در روز قیامت نزد پروردگارش می‌آید، یا متصف به شقاوت می‌شود یا سعادت. راه دستیابی به سعادت نیز ایمان به خدا و عمل صالح است که از روی اراده و اختیار انسان صادر می‌شود؛ بنابراین سعادت و شقاوت، ذاتی انسان نیست، بلکه امری اکتسابی است و این انسان است که یا اهل سعادت می‌شود یا اهل شقاوت (طباطبایی، ۱۳۹۱ق، ج ۱۲، ص ۱۸). بدین ترتیب سعادت انسان در زندگی خاص انسانی او است؛ یعنی سعادتش در علم و عمل (طباطبایی، ۱۳۷۷، ج ۸، ص ۱۲۴)، بینش و معرفت‌شناسی و در روش و نوع عملکرد و رفتار او است.

۵-۲. کمال نهایی

مهم‌ترین تصور درباره «تاریخ آینده»، حرکت و سیر انسان و جامعه بشری - با طی فراز و نشیب‌هایی - به سوی کمال و اوج گرفتن است. سرنوشت به معنای باور به فرجامی متکامل و متعالی عبارت است از کمال عقلی، خلقی و اجتماعی. این امر نه تنها یک قانون عمومی است، بلکه خواست و نیاز خود انسان است؛ به بیان دیگر بشر از روزی که در زمین سکنی گزیده، پیوسته در آرزوی یک زندگی اجتماعی مقرون به سعادت (به تمام معنا) است و به امید رسیدن چنین روزی گام برمی‌دارد و اگر این خواسته تحقق خارجی نداشت، هرگز چنین آرزو و امیدی در نهاد او نقش نمی‌بست؛ چنان که اگر غذایی نبود، گرسنگی [نیز] نبود و اگر آبی نبود، تشنگی [نیز] تحقق نمی‌یافت (طباطبایی، ۱۳۴۸، ص ۱۴۹).

مبنای مهم دیگر از جمله مبانی انسان‌شناسی اندیشه انتظار از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای را باید کمال‌خواهی انسان دانست. شکی نیست که انسان طالب کمال است و

عامل «فطرت» او را به سوی کمال فرا می‌خواند و نیازمند برانگیختن عامل بیرونی نیست؛ منتها باید فطرت کمال‌خواهی در انسان زنده و بیدار باقی بماند و از سرکوب شدن آن جلوگیری کرد؛ چراکه برای تأمین خواسته‌های فطری، تنها عوامل فطری کفایت نمی‌کنند، بلکه گاهی نیاز به عامل تنبّه‌بخش بیرونی نیز احساس می‌شود. حتی غرایز طبیعی انسان که پیوسته برای تأمین نیازهای ضروری او فعال‌اند، برای برانگیزندگی به عوامل بیرونی نیاز دارد؛ برای نمونه گاهی انسان گرچه گرسنه است، تا چشمش به غذا نیفتد یا بوی غذا به مشامش نرسد، احساس گرسنگی و میل به غذا در او برانگیخته نمی‌شود و کماکان خفته می‌ماند؛ بنابراین می‌توان گفت گزینه کمال‌خواهی که سرآمد غرایز و امیال انسان است، در هر انسانی وجود دارد؛ اما با تذکر و تنبّه، این گزینه بیدارتر می‌شود. انسان بسیاری اوقات بر اثر انس با اشیای مادی و محدود، کمال‌نهایی و مقصود خود را در شیئی محدود تصور می‌کند؛ اما بسیاری اوقات نیز پس از رسیدن به آن متوجه می‌شود میل کمال‌خواهی‌اش اشباع نشده و کمال را در مرتبه بالاتری می‌بیند و آن را هدف‌نهایی قرار می‌دهد و همین‌طور این سلسله ادامه دارد. از این تسلسل می‌توان نتیجه گرفت آنچه فطرت انسانی به دنبال آن است، منبع و سرچشمه همه کمالات یعنی کمال مطلق است؛ هرچند در یافتن مصداق آن اشتباه می‌کند (شاه‌آبادی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۱؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ص ۳۲).

از مناظره هشام (شیرازی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۳۹۰) نیز این نکته استفاده می‌شود که همان‌گونه که خدای متعال در وجود انسان حواس و فهم‌های گوناگون نهاده، برای جلوگیری از خطای حواس، «قلب» را آفریده که کنترل‌کننده حواس و میزان برای خطاسنجی آن باشد. امام نیز برای تصحیح افکار انسان‌ها و هدایتشان - در مواقعی که خودشان از شناسایی مسیر ناتوان‌اند - ضرورت دارد. از سوی دیگر حیات جمعی بشر و فعلیت یافتن کمال انسان که ضرورت هستی و مقتضای عنایت باری تعالی است نیز مقتضی وجود حجت در عرصه حیات بشری است. در باور مسلمانان، مصداق روشن و قطعی این حجت در آخرالزمان، حضرت مهدی علیه السلام است. امامی که عامل استقرار و ثبات زمین و عالم کون است که اگر در میان خلق نباشد، زمین مردم را به کام خود می‌کشد و

همواره در تزلزل و عدم استقرار خواهد بود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۰، ص ۲۱۳)؛ مصلحی که امید به آینده و استقرار صلح و عدل جاویدان را که امری فطری و طبیعی است، به ارمغان می‌آورد. امری که با ذات و وجود آدمی سر و کار دارد، با آفرینش هر انسانی همراه است و زمان و مکان نمی‌شناسد و به هیچ قوم و ملتی اختصاص ندارد.

علامه طباطبایی در این باره می‌نویسد: «به حکم ضرورت، آینده جهان روزی را در بر خواهد داشت که در آن روز، جامعه بشری پر از عدل و داد شده و با صلح و صفا همزیستی نماید و افراد انسانی غرق فضیلت و کمال شوند؛ البته استقرار چنین وضعی به دست خود انسان خواهد بود و رهبر چنین جامعه‌ای منجی جهان بشری و به لسان روایات، مهدی علیه السلام خواهد بود...» (طباطبایی، ۱۳۴۸، ص ۳۰۸).

از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای رسیدن به کمال نهایی نه تنها در دکتترین مهدویت، بلکه نقطه آرمانی حرکت تمام انبیای الهی است. ایشان می‌فرماید: «همه حرکتی که بشریت در سایه تعالیم انبیا در طول این قرون متمادیه انجام دادند، حرکت به سمت جاده آسفالته عریضی است که در دوران حضرت مهدی علیه السلام به سمت اهداف والا کشیده شده است که بشر در آن جاده حرکت خواهد کرد. این جاده اصلی همان جاده زمان ظهور است؛ همان دنیای زمان ظهور است که اصلاً حرکت بشریت به یک معنا از آنجا شروع می‌شود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۴/۱۸).

بدین ترتیب مقوله انتظار در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای شاهراه رسیدن تمام مردم دنیا به کمال نهایی است.

۲-۶. ذومراتب بودن انسان

مبنای مهم دیگری که باید بدان توجه داشت، ذومراتب بودن نفس انسانی است. قرآن کریم نفس انسان را حقیقت واحده صاحب مراتب و درجات دانسته و آن را کلی تشکیک‌پذیر و رتبه‌مند معرفی کرده است؛ چنان‌که این مراتب با توجه به ظهورات و متعلقات نفس عبارت‌اند از: نفس اماره (یوسف، ۵۱)، نفس لواحه (قیامت، ۲) و نفس مطمئننه (فجر، ۲۹).

فلاسفه نیز برای وجود مراتبی ذکر کرده‌اند و براساس آن به ذومراتب بودن حقیقت انسان ادعان می‌کنند و حتی در حکمت عملی و اخلاق نیز به این تقسیم قرآنی پایبند هستند. به نظر ایشان عوالم وجود یا مراتب وجود عبارت‌اند از طبیعی، نفسانی و عقلانی (شیرازی، ۱۹۸۱م، ج ۱، ص ۳۴۳) که متناظر با اینها، نفس انسانی نیز دارای مراتب طبیعی، نفسانی و عقلانی است (شیرازی، ۱۹۸۱م، ج ۱، ص ۳۴۳) و به تناسب اینکه انسان به واسطه افعال و اعمالش چه حالتی را در نفس خود راسخ و ملکه نماید، حقیقت انسان نیز از طریق حرکت جوهری نفس در مرتبه طبیعی یا نفسانی یا عقلانی قرار می‌گیرد (شیرازی، ۱۹۸۱م، ج ۹، صص ۲۹۰-۲۹۶).

از این رو هرچه انسان بر اثر معرفت و مراقبت‌های اولیه و سلامت و صحت فطرت الهی - توحیدی که دارای گرایش‌های عالی‌ه است، در برابر گناهان و شرور ایستادگی کند، نفس او نیز دارای کارایی و کارآمدی خواهد شد و زمینه سیر صعودی و حرکت عروجی را فراهم می‌کند، به طوری که می‌تواند با معرفت و مراقبت نفس بیشتر استكمال یابد و مراحل صعود و عروج درون را یکی پس از دیگری طی کند؛ به گونه‌ای که بر اثر ایمان و عمل صالح، عبادت و راز و نیاز و رعایت تقوای الهی، قدرت هدایت درونی و اشراقات باطن از حیث شناخت و عمل را به دست آورد و به نفس آرام و دارای طمأنینه و سکونت که قرار گرفتن او در منزل توکل، رضا و تفویض امور خویش به خداست، دست یابد و تحت ولایت الهیه قرار گیرد.

بر اساس این اصل مبنایی، انسان‌ها در بهره‌وری از برکات انتظار دارای مراتب‌اند و صبر و تحمل و توان رویارویی افراد نیز در برابر مشکلات دوران انتظار متفاوت خواهد بود؛ اما باید توجه داشت که از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای انتظار فراتر از نیازمندی و احساس نیاز است؛ بنابراین از دیدگاه ایشان انتظار صرف نیاز برای قشر خاصی نیست و انتظار برای عموم انسان‌ها سازنده است: «از این رو در روایات نیز انتظار فرج جایگاه بسیار مهمی دارد؛ چنان که در توقیع شریف حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - به ابن بابویه - علی بن بابویه - از قول پیغمبر ﷺ نقل شده که فرمود: "أَفْضَلُ أَعْمَالٍ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ" (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۰، ص ۳۱۸)؛ یعنی برترین اعمال امت من این است که منتظر فرج باشند؛

[یعنی] امید. در یک روایتی از موسی بن جعفر علیه السلام [آمده]: "أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ" (حرانی، ۱۳۸۲، ص ۴۰۳). معرفت یعنی توحید و معرفتِ حقایق الهی، [برترین اعمال] بعد از آن انتظار فرج است. از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده: "إِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ" (حرانی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۶). انتظار فرج داشته باشید، از رُوح و رحمت و گشایش الهی مأیوس نشوید» (خامنه‌ای، ۱/۲۱، ۱۳۹۹).

از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای تمامی انسان‌ها نیاز به منجی را - در هر مرتبه‌ای که باشند - حس می‌کنند. به نظر ایشان در تاریخ بشر کمتر دوره‌ای اتفاق افتاده که آحاد بشری - در همه جای عالم - به قدر امروز احساس نیاز به یک منجی داشته باشند؛ چه نخبگان که آگاهانه این نیاز را احساس می‌کنند، چه بسیاری از مردم که در ناخودآگاه خود این نیاز را حس می‌کنند. با اینکه بشر به پیشرفت‌های علمی حیرت‌آور دست یافته که می‌تواند وضع زندگی را در جهان تغییر دهد، باز هم احساس خوشبختی نمی‌کند؛ زیرا بشر دچار فقر، فحشا و گناه است؛ دچار بی‌عدالتی و سوء استفاده قدرت‌ها از علم است؛ اینها موجب شده انسان‌ها در همه جای دنیا احساس خستگی نمایند و احساس نیاز به یک دست نجات‌بخش پیدا کنند (خامنه‌ای، ۱/۲۱، ۱۳۹۹).

۳. عوامل زمینه‌ساز انتظار حقیقی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

با توجه به مبانی انسان‌شناسی بیان‌شده از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای می‌توان به مؤلفه‌های زمینه‌ساز انتظار حقیقی در اندیشه ایشان نیز دست یافت که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱-۳. خودسازی و دگرسازی

منظور از خودسازی و به‌طور کلی پرداختن به خویش، شکل دادن و جهت‌بخشیدن به فعالیت‌های حیاتی، تصحیح انگیزه‌ها و در نظر گرفتن مقصد نهایی و سوگیری فعالیت‌ها برای خداوند است؛ نه محدود کردن و متوقف نمودن فعالیت‌ها و نه توصیه به اینکه انسان فقط به خود پردازد و در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت نداشته باشد و عزت‌گزینی را رویه خود کند.

از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای انتظار به گونه‌ای است که تکلیفی را بر دوش انسان منتظر می‌گذارد؛ زیرا وقتی انسان یقین دارد چنین آینده‌ای هست، خود را برای رسیدن به آن آماده می‌کند؛ همچنان که در آیات قرآن به آن وعده داده شده است: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ» (انبیاء، ۱۰۵-۱۰۶).

مردمانی که اهل عبودیت خدا هستند، می‌فهمند باید خود را آماده کنند، باید منتظر و مترصد باشند؛ چرا که لازمه انتظار آماده‌سازی خود است.

ایشان در تبیین این مسئله بر این نکته تأکید دارد: «همیشه باید مترصد بود، همیشه باید منتظر بود. انتظار ایجاب می‌کند که انسان خود را به آن شکلی، به آن صورتی، به آن هیئت و خلقی نزدیک کند که در دوران مورد انتظار، آن خلق و آن شکل و آن هیئت متوقع است. این لازمه انتظار است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۴/۱۸).

افزون بر خودسازی، تلاش در جهت دگرسازی نیز از عوامل مؤثر در زمینه‌سازی ظهور از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای است. ایشان می‌فرماید: «ما که انتظار ظهور حضرت بقیه‌الله - ارواحنا فداه - را داریم، باید در این راه تلاش کنیم؛ باید تلاش کنیم در راه ایجاد جامعه مهدوی. هم خودسازی کنیم، هم به قدر توانمان، به قدر امکانمان، دگرسازی کنیم و بتوانیم محیط پیرامونی خود را به هر اندازه‌ای که در وسع و قدرت ما است، به جامعه مهدوی نزدیک کنیم که جامعه مهدوی، جامعه قسط است، جامعه معنویت است، جامعه معرفت است، جامعه برادری و اخوت است، جامعه علم است، جامعه عزت است» (خامنه‌ای، ۹۹/۱/۲۱).

ایشان در جایی دیگر بزرگ‌ترین وظیفه منتظران امام زمان علیه السلام را آمادگی معنوی، اخلاقی و عملی و پیوند دینی و اعتقادی و عاطفی با مؤمنان می‌داند و اینکه خود را برای پنجه‌درافکندن با زورگویان آماده کنند. از دیدگاه ایشان کسانی که در دوران دفاع مقدس، سر از پا نمی‌شناختند و در صفوف دفاع مقدس شرکت می‌کردند، منتظران حقیقی بودند. کسی که وقتی کشور اسلامی در معرفی تهدید دشمن است، آماده دفاع از ارزش‌ها و میهن اسلامی و پرچم برافراشته اسلام است، می‌تواند ادعا کند اگر امام

زمان بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بیاید، پشت سر آن حضرت در میدان‌های خطر گام خواهد نهاد؛ ولی کسانی که در مقابل خطر، انحراف و چرب و شیرین دنیا خود را می‌بازند و زانوانشان سست می‌شود، کسانی که برای مطامع شخصی خود حاضر نیستند حرکتی که مطامع آنها را به خطر می‌اندازد، انجام دهند، اینها چگونه می‌توانند منتظر امام زمان عجل الله فرجه به شمار آیند؟ (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۷/۳۰).

بیشترین توصیه آیت‌الله خامنه‌ای در خودسازی و دگرسازی به جوانان است. ایشان در این باره می‌فرماید: «شما مردم عزیز - به خصوص شما جوان‌ها - هر چه که در صلاح خود، در معرفت و اخلاق و رفتار و کسب صلاحیت‌ها در وجود خودتان بیشتر تلاش کنید، این آینده را نزدیک‌تر خواهید کرد. اینها دست خود ما است؛ اگر ما خودمان را به صلاح نزدیک کنیم، آن روز نزدیک خواهد شد» (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۸/۲۲).

بدین ترتیب از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای خودسازی و دگرسازی، هر دو نقش مهمی در زمینه‌سازی ظهور خواهند داشت.

۲-۳. استقامت، دوری از یأس و ناامیدی

در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای نخستین درس عملی موضوع مهدویت این است که ناپود کردن بنای ظلم در سطح جهان، نه فقط ممکن است، بلکه حتمی است؛ از این رو به نظر ایشان «انسان‌های مایوس نمی‌توانند هیچ حرکتی در راه اصلاح انجام دهند. آن چیزی که انسان‌ها را وادار به کار و حرکت می‌کند، نور و نیروی امید است. اعتقاد به مهدی موعود عجل الله فرجه دل‌ها را سرشار از نور امید می‌کند. برای ما که معتقد به آینده حتمی ظهور مهدی موعود عجل الله فرجه هستیم، این یأسی که گریبانگیر بسیاری از نخبگان دنیاست، بی‌معنا است. ما می‌گوییم می‌شود نقشه سیاسی دنیا را عوض کرد؛ می‌شود با ظلم و مراکز قدرت ظالمانه درگیر شد و در آینده نه فقط این معنا امکان‌پذیر است، بلکه حتمی است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۷/۳۰).

در روایاتی از امامان معصوم علیهم السلام وارد شده در آخرالزمان زمین از ظلم و جور آکنده می‌شود که در نهایت حضرت صاحب ظهور می‌نماید و زمین را از عدل لبریز می‌کند؛

همان گونه که از ظلم و جور پر شده است (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۳۳۸).

نمی توان سختی ها و مشکلات فراروی انسان را در این مسیر نادیده گرفت؛ اما خداوند برای مقابله با دشمنی ها به پیامبر اسلام ﷺ نیز دستور العمل داد؛ از آغاز بعثت خدای متعال پیامبر ﷺ را به صبر امر کرد. در سوره مدثر که از سوره های فرورستاده شده در اوایل بعثت است، می فرماید: «وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ: برای خدای خودت صبر کن» (مدثر، ۷). در سوره مزمل نیز می فرماید: «وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ: (مزمل، ۱۰): بر آنچه می گویند، شکبیا باش». در آیات دیگر قرآن نیز بارها این معنا آمده است. در روایات متعدد نیز این صبر و استقامت منتظران تأیید و تکریم شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۱۳۰).

در اندیشه آیت الله خامنه ای صبر به معنای نشستن و دست روی دست گذاشتن و انتظارِ نتایج و حوادث را کشیدن نیست؛ بلکه صبر یعنی ایستادگی کردن، مقاومت کردن، محاسباتِ درست خود را و محاسباتِ دقیق خود را با خدعه گریِ دشمن تغییر ندادن. صبر یعنی پیگیریِ اهدافی که برای خودمان ترسیم کرده ایم. صبر یعنی با روحیه حرکت کردن و ادامه دادن. چنانچه این ثابت قدم بودن و مقاومت کردن با عقل و تدبیر و مشورت همراه شود - همچنان که در قرآن آمده است: «أَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» (شوری، ۳۸) - بی گمان پیروزی به دست خواهد آمد (خامنه ای، ۱۳۹۹/۱/۳۰).

بنابراین صبر کردن یعنی تسلیم نشدن، دچار ضعف نشدن، دچار تردید نشدن، با شجاعت و عقل جلوی دشمن را گرفتن و دشمن را مغلوب کردن که از لوازم جدایی ناپذیر انتظار و زمینه ساز ظهور است.

۳-۳. بیداری تمام مسلمانان

در اندیشه آیت الله خامنه ای بیداری تمام مسلمانان و تلاش همه ایشان در جهت تحقق حاکمیت قرآن و اسلام است که می تواند زمینه ظهور حضرت حجت الله علیه را فراهم کند: «ما آن وقتی می توانیم حقیقتاً منتظر به حساب بیاییم که زمینه را آماده کنیم. برای ظهور مهدی موعود - ارواحنا فداه - زمینه باید آماده بشود و آن عبارت از

عمل کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام است... اولین قدم برای حاکمیت اسلام و برای نزدیک شدن ملت‌های مسلمان به عهد ظهور مهدی موعود - ارواحنا فداه و عجل الله فرجه - به وسیله ملت ایران برداشته شده است و آن ایجاد حاکمیت قرآن است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰).

ایشان در جایی دیگر می‌فرماید: «این عقیده (ظهور مهدی موعود علیه السلام) که همه مسلمانان هم به آن معتقدند، مخصوص شیعه نیست؛ البته در خصوصیات و جزئیاتش بعضی فرق حرف‌های دیگری دارند؛ اما اصل اینکه چنین دورانی پیش خواهد آمد و یک نفر از خاندان پیامبر چنین حرکت عظیم الهی را انجام خواهد داد و "یماًلاً الله به الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً" بین مسلمانان متواتر است. همه این را قبول دارند» (خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۹/۲۵).

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بر این اعتقاد تأکید دارد که همه مذاهب اسلامی غایت جهان را که اقامه حکومت حق و عدل به دست مهدی علیه السلام است، قبول دارند و این در روایات معتبر از طرق مختلف در مذاهب گوناگون، از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و از بزرگان نقل شده است؛ بنابراین هیچ تردیدی در آن نیست. منتها امتیاز شیعه در این است که مسئله مهدویت در آن یک مسئله مبهم نیست؛ یک مسئله پیچیده‌ای که برای بشر قابل فهم نباشد، نیست؛ ... باید کسانی که مال مذاهب دیگر هستند، توجه کنند و دقت کنند تا این حقیقت روشن را دریابند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۴/۱۸).

ایشان در جای دیگر می‌فرماید: «اعتقاد به ظهور مهدی علیه السلام در دورانی از تاریخ مخصوص شیعه نیست؛ همه مسلمانان، اعم از شیعه و سنی به این معنا معتقدند، بلکه غیر مسلمانان هم به یک صورت معتقدند. منتها امتیاز شیعه در این است که این شخصیت نجات‌بخش بشریت را با نام و نشان و خصوصیات می‌شناسد و معتقد است او همواره برای دریافت دستور الهی، حاضر و آماده است. هر وقت پروردگار عالم به او دستور دهد، او آماده شروع آن کار عظیمی است که بناست بشریت و تاریخ را متحول کند. آنچه ما به‌عنوان یک درس و تعلیم معرفتی و عملی از این قضیه باید بگیریم، مهم است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۷/۳۰).

البته باید همواره به نقش تأثیرگذار مردم ایران در زمینه‌سازی ظهور توجه داشت: «امروز مسیر تاریخ، مسیر ظلم است؛ مسیر سلطه‌گری و سلطه‌پذیری است؛ یک عده در دنیا سلطه‌گرند، یک عده در دنیا سلطه‌پذیرند. اگر حرف شما ملت ایران پیش رفت، اگر شما توانستید پیروز شوید، به آن نقطه موعود برسید، آن وقت مسیر تاریخ عوض خواهد شد؛ زمینه ظهور ولی امر و ولی عصر - ارواحنا له الفداء - آماده خواهد شد؛ دنیا وارد یک مرحله جدیدی خواهد شد. این بسته به عزم امروز من و شما است، این بسته به معرفت امروز من و شما است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۱۰/۱۹).

بدین ترتیب با وجود تأکید ایشان بر بیداری تمام مسلمانان، همواره نقش مردم ایران در زمینه‌سازی ظهور مورد توجه و تذکر ایشان بوده است.

۴-۳. حرکت و تلاش دوچندان

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای انتظار فرج، انتظار دست قاهر قدرتمند الهی است که باید بیاید و با کمک همین انسان‌ها سیطره ظلم را از بین ببرد و حق را غالب کند و عدل را در زندگی مردم حاکم کند و پرچم توحید را برافرازد و انسان‌ها را بنده واقعی خدا بکند؛ بنابراین باید با تلاش دوچندان برای این کار آماده بود: «انتظار حرکت است، انتظار سکون نیست، انتظار رهاکردن و نشستن برای اینکه کار به خودی خود صورت بگیرد، نیست، انتظار حرکت است، انتظار آمادگی است... انتظار فرج یعنی کمر بسته‌بودن، آماده‌بودن، خود را از همه جهت برای آن هدفی که امام زمان علیه السلام برای آن هدف قیام خواهد کرد، آماده کردن» (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۵/۲۷).

آیت‌الله خامنه‌ای همواره بیشترین توصیه به تلاش سازنده را به جوانان دارد: «شما جوانان عزیز که در آغاز زندگی و تلاش خود هستید، باید سعی کنید تا زمینه را برای آن چنان دورانی آماده کنید؛ دورانی که در آن ظلم و ستم به هیچ شکلی وجود ندارد، دورانی که در آن اندیشه و عقول بشر از همیشه فعال‌تر و خلاق‌تر و آفریننده‌تر است، دورانی که ملت‌ها با یکدیگر نمی‌جنگند، دست‌های جنگ‌افروز عالم، همان‌هایی که جنگ‌های منطقه‌ای و جهانی را در گذشته به راه انداختند و می‌اندازند، دیگر نمی‌توانند

جنگی به راه بیندازند» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰). بدین ترتیب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تبیین این مهم که در مقیاس عالم، صلح و امنیت کامل هست، جوانان را برای تلاش در مسیر رسیدن به این آرمان ترغیب می‌کند.

۵-۳. دعا و تضرع به درگاه خداوند

در نهایت آخرین نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد، نقش دعا و تضرع به درگاه خداوند در چالش‌های زندگی است؛ چرا که دعا به انسان قدرت مقاومت می‌دهد، دعا به انسان قدرت مقاومت در برابر چالش‌های زندگی را می‌دهد. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: «أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى سِلَاحٍ يَنْجِيكُمْ مِنْ أَعْدَائِكُمْ: آیا شما را به سلامی راهنمایی نکنم که شما را از دشمنان رهایی بخشد؟» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۴۶۸) و «تَدْعُونَ رَبَّكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ فَإِنَّ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ الدُّعَاءُ: پروردگارتان را در شب و روز بخوانید؛ زیرا سلاح مؤمن دعاست» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۴۶۸). در مواجهه با حوادث، توجه به خدای متعال، مانند سلاح برنده‌ای در دست انسان مؤمن است. در میدان جنگ، رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله همه کارهای لازم را انجام می‌داد؛ اما در همان وقت هم وسط میدان زانو می‌زد، دست به دعا بلند می‌کرد، با خدای متعال حرف می‌زد و از او می‌خواست. در روایات دیگر نیز بر دعا در دوران انتظار تأکید شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۱۴۶).

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در جایی دیگر به آرامش حاصل از انتظار که نتیجه ارتباط قلبی شخص منتظر با حق تعالی است نیز اشاره می‌کند و می‌فرماید: «این آرامش روانی ناشی از انتظار فرج، این اطمینان نفسی را که انسان دارد که نفس او و دل او تلاطم ندارد، می‌شود افزایش داد؛ به وسیله دعا، به وسیله استغاثه، به وسیله مناجات با پروردگار که «الْأَبْدِ كَرِ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد، ۲۸). این دعاهایی که وارد شده است، مناجات‌های گوناگون و تکلم با خدای متعال بدون واسطه خیلی مهم است؛ یا راز و نیاز کردن با ائمه هدی علیهم السلام که نزدیک‌ترین آحاد عالم وجود به پروردگار متعال هستند، به انسان امکان اطمینان و آرامش می‌دهد. یاد خدای متعال گشایش به انسان می‌دهد، بهجت به انسان

می‌دهد و رحمت الهی را هم جلب می‌کند که قطعاً میلیون‌ها دست به دعا برداشته‌شده، آثار و برکاتی خواهد داشت» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۱/۲۱). به نظر ایشان بی‌گمان این تضرع به درگاه خداوند، آثارِ خوبِ خود را هم در یکایک انسان‌ها و هم در کل جامعه نشان خواهد داد.

نتیجه‌گیری

چنان‌که بیان شد، عقیده به ظهور موعود و انتظار فرج و زمینه‌سازی در جهت تحقق آن، فکر و عقیده‌ای است که در خواسته‌های درونی و باطنی هر انسان دردکشیده و متوجهی وجود دارد و هر انسان رنج‌دیده‌ای به دنبال دولت موعود و جامعه‌ای جهانی با شاخصه‌هایی همچون عدالت، آزادی، علم و پیشرفت است و آن را از نیازهای جامعه بشری می‌داند. در منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز از آنجا که انتظار امری عمومی و همیشگی در تاریخ بشری بوده است، مبانی انسان‌شناسانه‌ای را می‌توان از بیانات ایشان استنباط کرد و ترسیم نمود؛ مبانی مهمی همچون کرامت ذاتی انسان، سعادت و کمال‌نهایی و ذومراتب‌بودن انسان. افزون بر این ایشان بر وظایف منتظران در دوران انتظار نیز بارها اشاره کرده و همواره بر اصولی همچون ضرورت خودسازی و دگرسازی، ضرورت کار و تلاش دوچندان در این دوران، استقامت و دوری از ناامیدی و درنهایت تضرع و دعا به درگاه الهی تأکید کرده است.

فهرست منابع

- * قرآن کریم.
 ** نهج البلاغه.
۱. آگوستین، سنت. (۱۳۸۰). اعترافات (مترجم: سایه میثمی، ویرایش: مصطفی ملکیان). تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
 ۲. ابن سینا. (بی تا). الیهات شفا (محقق: ابراهیم بیومی مدکور). [بی جا،] [بی نا].
 ۳. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم. (۱۳۰۰ق). لسان العرب. بیروت: دارالفکر.
 ۴. ادواردز، پل. (۱۳۷۵). فلسفه تاریخ (مجموعه مقالات) (مترجم: بهزاد سالکی، چاپ اول). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
 ۵. اصفهانی، سید محمد تقی. (۱۳۸۲). مکیال المکارم فی فواید الدعاء للقائم (مترجم: مهدی حائری قزوینی). قم: مسجد مقدس جمکران.
 ۶. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۸). تسنیم. قم: نشر اسراء.
 ۷. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۷). امام مهدی علیه السلام، موجود موعود (محقق و تنظیم: محمدحسن مخبر). قم: مرکز نشر اسراء.
 ۸. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۹/۱۲/۱۱). بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، <https://b2n.ir/x14362>.
 ۹. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۰/۱۱/۳۰). بیانات در دیدار مردم قم. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، <https://b2n.ir/167698>.
 ۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۶/۰۹/۲۵). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، <https://b2n.ir/494627>.
 ۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۸/۰۹/۰۳). بیانات در جشن بزرگ منتظران ظهور هم‌زمان با هفته بسیج و روز ولادت حضرت مهدی علیه السلام. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، <https://b2n.ir/y72859>.

۱۲. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۹/۰۸/۲۲). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز میلاد خجسته امام زمان علیه السلام. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، <https://b2n.ir/648280>.
۱۳. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۱/۰۷/۳۰). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به‌مناسبت نیمه‌شعبان در مصلاهی تهران. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، <https://b2n.ir/553847>.
۱۴. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۷/۰۵/۲۷). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌شعبان. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، <https://b2n.ir/764203>.
۱۵. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۰/۰۴/۱۸). بیانات در دیدار اساتید و فارغ‌التحصیلان مرکز تخصصی مهدویت. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، <https://b2n.ir/754570>.
۱۶. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۱/۱۰/۱۹). بیانات در دیدار مردم قم. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، <https://b2n.ir/q50366>.
۱۷. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۳/۰۳/۲۱). بیانات در دیدار پژوهشگران و کارکنان مؤسسه «دارالحدیث» و پژوهشگاه «قرآن و حدیث». برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، <https://b2n.ir/d61608>.
۱۸. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۷/۱۲/۲۴). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز عید سعید غدیر خم. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، <https://b2n.ir/t24311>.
۱۹. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۹/۰۱/۲۱). سخنرانی تلویزیونی به‌مناسبت ولادت حضرت امام زمان علیه السلام، برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، <https://b2n.ir/m73460>.
۲۰. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۹/۰۱/۳۰). سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، <https://b2n.ir/d03723>.
۲۱. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۸۳). لغت‌نامه دهخدا (زیر نظر: محمد معین). تهران: دانشگاه تهران.

۲۲. زبیدی، محمد مرتضی. (بی تا). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دار مکتبه الحیاه.
۲۳. شاه آبادی، محمدعلی. (۱۳۸۶). رشحات البحار؛ (مترجم: زاهد ویسی). تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۴. شیرازی، صدرالدین. (۱۹۸۱م). الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه. بیروت: دار احیاء التراث.
۲۵. شیرازی، صدرالدین. (۱۳۶۷). شرح اصول کافی (مترجم و تعلیق: محمد خواجوی، چاپ اول). تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۴۸). شیعه در اسلام. قم: دارالتبلیغ اسلامی.
۲۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۹۱ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۸. طریحی، فخرالدین. (۱۴۰۸ق). مجمع البحرین (محقق: سیداحمد حسینی). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۹. فراهیدی، عبدالرحمن الخلیل بن احمد. (۱۳۶۳). العین. قم: دارالهجره.
۳۰. قمی، شیخ عباس. (۱۳۴۴ق). مفاتیح الجنان. «دعای عدیله».
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ق). الکافی. قم: دارالحدیث.
۳۲. لاهیجی، محمد بن یحیی. (۱۳۷۱). مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز. تهران: چاپ محمدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی.
۳۳. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. تهران: المکتبه الاسلامیه.
۳۴. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۱). خودشناسی برای خودسازی، به سوی خودسازی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۳۵. موسوی خمینی، سیدروح الله. (۱۳۷۸). تفسیر سوره حمد. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

References

* The Holy Quran.

** Nahj al-Balaghah.

1. Augustine, S. (1380 AP). *Confessions*. (Meysamy, S, Trans.). (Malekian, M. Ed.). Tehran: Suhrawardi Research and Publishing Office. [In Persian]
2. Dehkhoda, A. A. (1383 AP). *Dehkhoda Dictionary*. (Supervised by Moein, M.). Tehran: University of Tehran. [In Persian]
3. Edwards, P. (1375 AP). *Philosophy of History*. (collection of articles). (Saleki, B, Trans. 1st ed.). Tehran: Institute of Humanities. [In Persian]
4. Esfahani, S. M. T. (1382 AP). *Makyal Al-Makarem Fawa'id al-Du'a le al-Qa'em*. (Haeri Qazvini, M, Trans.). Qom: Holy Mosque of Jamkaran. [In Persian]
5. Farahidi, A. (1363 AP). *al-Ain*. Qom: Dar al-Hijra. [In Persian]
6. Ibn Manzur, J. (1300 AH). *Lisan al-Arab*. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
7. Ibn Sina. (n.d.). *Theology of Healing*. (Biomi Madkour, E., Ed.).
8. Javadi Amoli, A. (1378 AP). *Tasnim*. Qom: Isra' Publications. [In Persian]
9. Javadi Amoli, A. (1387 AP). *Imam Mahdi, the Promised Being*. (Mokhber, M. H, Ed.). Qom: Esra Publishing Center. [In Persian]
10. Khamenei, S. A. (1369 AP). Meeting with different segments of the population and domestic and foreign guests on the anniversary of the birth of Imam Asr. Website of the Office for the Preservation and Publication of Ayatollah Khamenei's Works, from: <https://b2n.ir/x14362>. [In Persian]
11. Khamenei, S. A. (1376 AP). Speeches in meeting different segments of the people. Website of the Office for the Preservation and Publication of Ayatollah Khamenei's Works, from: <https://b2n.ir/494627>. [In Persian]
12. Khamenei, S. A. (1378 AP). Statements in the great celebration of those waiting for the reappearance at the same time as Basij week and the birthday of Hazrat Mahdi. Website of the Office for the Preservation and Publication of Ayatollah Khamenei's Works, from: <https://b2n.ir/y72859>. [In Persian]

13. Khamenei, S. A. (1379 AP). Statements in the meeting of different strata of the people on the anniversary of the blessed birth of Imam Zaman. Retrieved from: Information base of the Office for the Preservation and Publication of Ayatollah Khamenei's Works, .<https://b2n.ir/648280>. [In Persian]
14. Khamenei, S. A. (1381 AP). Statements in the meeting of different segments of the people on the occasion of Sha'ban 15th in Tehran prayer hall. Website of the Office for the Preservation and Publication of Ayatollah Khamenei's Works, from: <https://b2n.ir/553847>. [In Persian]
15. Khamenei, S. A. (1387 AP). Statements in the meeting of different segments of the people on the day of mid-Sha'ban, Website of the Office for the Preservation and Publication of Ayatollah Khamenei's Works, from: <https://b2n.ir/764203>. [In Persian]
16. Khamenei, S. A. (1390 AP). Statements in the meeting of professors and graduates of Mahdism. Website of the Office for the Preservation and Publication of Ayatollah Khamenei's Works, from: <https://b2n.ir/754570>. [In Persian]
17. Khamenei, S. A. (1391 AP). Statements in the meeting of the people of Qom. Website of the Office for the Preservation and Publication of Ayatollah Khamenei's Works, from: <https://b2n.ir/q50366>. [In Persian]
18. Khamenei, S. A. (1393 AP). Statements in the meeting of researchers and staff of "Dar al-Hadith" Institute and "Quran and Hadith" Research Institute. Website of the Office for the Preservation and Publication of Ayatollah Khamenei's Works, from: <https://b2n.ir/d61608>. [In Persian]
19. Khamenei, S. A. (1397 AP). Speeches in the meeting of different segments of the people on the anniversary of Eid Saeed Ghadir. Website of the Office for the Preservation and Publication of Ayatollah Khamenei's Works, from: <https://b2n.ir/t24311>. [In Persian]
20. Khamenei, S. A. (1399 AP). Nowruz speech addressed to the Iranian nation. Website of the Office for the Preservation and Publication of Ayatollah Khamenei's Works, from: <https://b2n.ir/d03723>. [In Persian]

21. Khamenei, S. A. (1399 AP). TV speech on the birth of Imam Khomeini, Website of the Office for the Preservation and Publication of Ayatollah Khamenei's Works, from: <https://b2n.ir/m73460>. [In Persian]
22. Khamenei, Seyed Ali. (30/11/1370). Statements in the meeting of the people of Qom. Website of the Office for the Preservation and Publication of Ayatollah Khamenei's Works, from: <https://b2n.ir/167698>. [In Persian]
23. Koleyni, M. (1429 AH). *al-Kafi*. Qom: Dar al-Hadith. [In Arabic]
24. Lahiji, M. (1371 AP). *Mafatih al-Ijaz fi Sharh Golshan Raz*. Tehran: Mohammad Reza Barzegar Khaleghi and Effat Karbasi. [In Persian]
25. Majlesi, M. B. (1403 AH). *Bihar al-Anwar*. Tehran: al-Maktab al-Islamiyah. [In Arabic]
26. Mesbah Yazdi, M. T. (1381 AP). *Self-knowledge for self-construction, towards self-construction*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
27. Mousavi Khomeini, S. R. (1378 AP). *Interpretation of Surah Hamd*. Tehran: Imam Khomeini Publishing House. [In Persian]
28. Qomi, S. (1344 AH). *Mafatih Al-Jinnan*. "Du'a Adila". [In Arabic]
29. Shah Abadi, M. A. (1386 AP). *Rashahat al-Bihar*, (Veisi, Z, Trans.). Tehran: Institute of Islamic Culture and Thought. [In Persian]
30. Shirazi, S. (1367 AP). *Sharh Usul Kafi*. (Khajavi, M. Trans. 1st ed.). Tehran: Institute of Cultural Studies and Research. [In Persian]
31. Shirazi, S. (1981). *al-Hikmah al-Muta'alieh fi al-Asfar al-Aqliyah al-Arba'ah*. Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi.
32. Tabatabaei, S. M. H. (1348 AP). *Shiites in Islam*. Qom: Islamic Propaganda Center. [In Persian]
33. Tabatabaei, S. M. H. (1391 AH). *al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Press Institute for Publications. [In Arabic]
34. Tarihi, F. (1408 AH). *Majma' al-Bahrain*. (Hosseini, S. A, Ed.). Tehran: Islamic Culture Publishing Office. [In Arabic]
35. Zobeidi, M. M. (n.d.). *Taj al-Arous min Jawahir al-Qamous*. Beirut: Dar Maktab al-Hayah.